

بازگشت از قیامت

www.ketab.ir

سرشناسه: رسولي عمارلويي - ارسلان، ۳۳۱ -

عنوان: بازگشت از قیامت

تکرار نام پدیدآور: ارسلان رسولي عمارلويي (الف - سوزگام)

مشخصات نشر: قم: انتشارات سلسله، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهري: ۱۵۲ ص.

فروست: مجموعه گالشنامه

ISBN 978-964-242-146-6

وضعيت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: به صورت زیرنویس

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

موضوع: داستان‌های آموزنده - قرن ۱۴

موضوع: داستان‌های اخلاقی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۲۰۱۳۹۵ ب ۷۴۳۶ س / ۸۰۵۸ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۳ / ۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۲۲۱۴۸



بازگشت به نیابت

« از مجموعه گالشی »

نوشته: ارسلان رسولی عمارلویی (الف - و گام)

چاپ دوم / چاپ اول این ناشر
ویراست جدید / بهمن ماه ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپ: ولی عصر (عج)
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۲-۱۴۶-۶

انتشارات سلسله

قم. خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷
کد پستی ۱۳۹۹۳ - ۳۷۱۳۷
تلفن ۳۷۷۳۰۷۱۷ / تلفکس ۳۷۷۴۹۱۰۸

تمامی حقوق طبع و نشر برای نویسنده محفوظ است

قبل از مقدمه

در نخستین ماه تابستان سال یک هزار و سیصد و سی و یک خورشیدی، در خاکی که خورشید با افتخار در آن گام می‌نهد - یعنی "خورگام" و در آبادی "باشمیان" - پا در میانه نهاده و بالیده است و خود را در میان مکتب خانهای پدری با نام «ملا عبدالرحمن رسولی» یافته و در همان سال با همراه پدر از ده رفته است و در دیار غرب مازندران، در آبادی کلاردشت، مسکن گزیده است.

کارشناسی ادبیات را در دانشگاه گیلان گذرانده و جامه‌ی دبیری به تن کرده است و روی به آموزش فرزندان وطن آورده و در دیار کلاردشت و در سال "پنجاه و چهار" به بازنشستگی از این شغل نایل آمده است در سال "هشتاد و پنج".

«رسولی» به تمام عمر پربار خود تا به امروز قلم را الگوی خود قرار داده، در روزنامه‌های کشور و در درون کتاب‌هایی که از خود برجای گذاشته است، کتاب "مناجات بی‌بی" و "بازگشت از قیامت" او مورد پسند جامعه واقع شده و "بازگشت از قیامت" ری به چاپ دوم هم رسیده است.

رسولی، این کتاب را در قالب رمان نگاشته است و در آن مسائل اجتماعی و سیاسی روز آدم‌ها را به تحریر در آورده و آدمیان را به سنجش و از صراط گذرانده و در محکمه‌ی نهایی نشانده است. . . . بارها از باورهای دنیایی و برخی از آدمیان را به چالش کشیده است و این چالش‌ها، تنها از آیات کلام الهی یعنی قرآن، بهره جسته است.

در تصویری از قیامت آورده است:

«خواستم کلک دنیایی بزنم تا شاید نظر قاضی برز قیامت را به خودم جلب کنم.

آقای قاضی! من اصلاح طلب هستم... سر قاضی به چپ و راست می‌چرخد. پیش خودم فکر می‌کنم قاضی باید اصول‌گرا باشد.

گفتم: آقای قاضی! ببخشید، اشتباه کردم، من اصولگرا هستم و تابع خط رهبری و ...

قاضی صدایش را بالا می‌برد که این‌ها بازی سیاسی دنیای شماست. ما این‌جا شما را براساس آیه: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» می‌سنجیم.

بهمیدم روز قیامت تنها عمل ماست که می‌تواند ما را از عذاب الهی نجات دهد ...»

کتاب‌های دیگری نیز از این نویسنده وارد بازار نشر شده است که از آن جمله است: سناوط ۵۷، دانش‌آموز تنبل، قیام، قصه‌های عمو، و مناجات بی‌بی.

رسولی در نجواهای شبانه‌ی خویش در «مناجات بی‌بی» الگو از آدمیان دور و بر خود در کوچه و بازار گرفته است و چیزهایی متفاوت به دانای آشکار و نهان چنین گفته است:

«خدایا!

به خاطر نداری، زن خانه از من اطاعت نمی‌کند!

دیوارگلی کوچه‌ها، راضی نمی‌شوند از کنارشان بگذرم!

فاز شب خیابان با دیدن من خاموش می‌شود!

و اگر تواز من دور شوی؟! وای بر من!

استاد رسولی شعر هم می گوید. آن هم از نوع سپید و ساده
و بی پیرایه. جنس تخلّص استاد هم ساده است و پاک، و ریشه
در قدمگاه خورشید دارد، یعنی عمارلویی (الف. خورگام) :

«کوچک که بودم، دنیا را بزرگ می دیدم !

دایی، عمو و ... !

همه بزرگ بودند !

بزرگ !

شاه زمانه قدرت !

یعنی سایه‌ی خدا -

بزرگ که شدم

تنها خدا را بزرگ یافتم !

همه کوچک بودند

و هیچ !

صمد شوقی (پژوهشگر)

سرسخی انسان متمدن در برابر آفرینش و ادعای برتری او به شناخت «ما بعد الطبیعه» و حتی «ما وراء الطبیعه» نتوانسته است وی را از فکر قیامت و روز جزا دور نگاه دارد. انسان متمدن با این که خود را خوش فکر و مسلمان وابسته به فرهنگ غرب می داند، اسلام را با تفسیر علمای شیعه رسنی قبول ندارد. اما از مرگ و این که شاید داستان قیامت حقیقت داشته باشد می ترسد. حال این که مرگ انتقال از خانه ای به خانه ای در همین نزدیکی است. بنابراین قبول می کند نشانه های قیامت در قرآن حقیقت دارد. این را هم خوب می داند سهم او از بهشت و جهنم بستگی به میزان عملکرد خوب و بد وی در دنیا دارد.

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»

آیا کسی هست از قیامت بترسد؟

بله ! همه‌ی ما از مرگ و روز جزا می‌ترسیم، دوست نداریم بمیریم، چرا که به دنیا وابسته شده‌ایم. می‌ترسیم ! چون از سؤال کننده در شب اول قبر می‌ترسیم ! دنیای قبر، برزخ و قیامت برای ما ناشناخته است ! چون از کتاب‌های الهی و قرآن دور هستیم ! می‌خواهیم مرگ را باور کنیم، اما نمی‌توانیم. با این که باور آن راحت است، ولی خوب می‌دانیم دیر یا زود بایستی دنیا را نه به رغبت بلکه ناخواسته و به اجبار ترک کنیم و این برای همه‌ی ما سخت است.

چه کنیم تا از حساب و کتاب روز قیامت نترسیم ؟!

علمای دین و بزرگان علم، برای برون رفت از ترس، و گذر از روز قیامت، دعا را پیشنهاد می‌کنند.

دعا، یعنی درخواست از توانایی که می‌تواند خواسته‌های ما را برآورده کند. خودش می‌گوید: «بخوانید مرا، تا اجابت کنم شما را». خدایی که می‌تواند ببخشد و یا هر آنچه را بخشیده است، بگیرد. چرا که او هم رحمت است و هم قهار ! بنابراین

می‌شود به آن تکیه کرد و به رحمت‌اش امیدوار بود و یا خشم او را با دعا و شکرگزاری از نعمت‌های داده شده تبدیل به رحمت الهی کرد.

می‌توانیم هم از او تشکر کنیم و هم از او بخواهیم تا به ما بصیرت فهم آیات خویش را عطا کند.

دل‌های ما را از کدورت کینه‌ها و هرخلق ناپسند، پاکیزه کند، یاری‌مان نماید، بته‌انیم شکرگزار نعمت‌های خدای یکتا باشیم.

در دعا - که نوعی استغاثه و سخن گفتن با خداوند است - از آریایی که خود مالک زمین و آسمان‌ها و مالک روز جزاست، می‌خواهیم ما را در رسیدن به اهداف انسانی‌مان کمک کند.

از او نمی‌خواهیم به دردشکم ما توجه کند، بلکه می‌خواهیم ما را در رسیدن به نفس مطمئنه یاری دهد.

چرا بازگشت از قیامت !؟

کلمه‌ی قیامت در ابتدا همراه با حروف الفبای زندگی با من بود. یادم نمی‌رود وقتی از ترس مجبور می‌شدم دروغ بگویم، مادر می‌گفت: «دروغ‌گو دشمن خداست ! جای دشمن خدا در روز قیامت آتش جهنم است . . .»

اول فکر می‌کردم جهنم جایی مثل انباری خانه‌ی ماست که هر وقت مادر از دست‌ام عصبانی می‌شود، مرا آن‌جا زندانی می‌کند و هر وقت هم دلش بسوزد، مرا از انباری بیرون بیاورد. ترس از قیامت و جهنم، با من بزرگ شده است. مطمئن هستم تا لحظه‌ی مرگ با من خواهد بود.

تصمیم گرفتم که برای رهایی از این ترس، و آشنایی با روز قیامت به سران مراجعه کنم. سوره‌ی واقعه، قیامت را به روشنی توضیح داده و وقوع آن را حتمی دانسته است.

«إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا^۱ وَ تُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا^۲ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا^۳ وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً^۴»

وقتی زمین به سختی با تکان لرزان شود و همه کوه‌ها ریز ریز شوند و آن‌گاه غبار همه‌جا را بپاشد و شما به سه دسته تقسیم خواهید شد.

«لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ^۵»

وقوع روز قیامت دروغ نیست.

۱. سوره واقعه، آیات ۴ تا ۷.

۲. همان، آیه ۲.

قرآن را مثل یک کتاب عادی به دست گرفتم. در حال استراحت، با وضو و بدون وضو، نشسته و در حال قدم زدن و یا در حال درازکش، به خواندن آن مشغول شدم. بلکه می خواستم برای فهمیدن مطالعه کنم و اگر می خواستم طبق قوانین عرف عمل کنم، با وضو بگیرم، دو زانو و یا نشسته قرآن بخوانم، هیچ وقت نمی توانستم به اهمیت آفرینش و روش زندگی انسان و فهمیدن زندگی پس از مرگ دست پیدا کنم.

از وقتی هم که خواندن و نوشتن را یاد گرفتم، دوست داشتم قرآن را هم مثل دیگر کتابها، در هر حالتی که احساس آرامش می کردم، بخوانم.

اما پدر می گفت: دست زدن به قرآن بایستی با وضو و نشسته باشد.

چند بار قرآن را با وضو و نشسته خواندم، ولی ارتعاش گرفتن وضو و مطالعه به صورت نشسته روی زانو خسته ام می کرد. به همین خاطر خواندن قرآن را در نوجوانی رها کردم. پس از یک وقفه ی ده ساله دوباره به قرآن روی آوردم و همراه با قرآن وارد روز جزا شدم ...

برادرانی را دیدم که باهم بیگانه بودند.

درماندگی حاکمانی را می‌دیدم که برای نجات خود التماس می‌کردند.

پدری را مشاهده کردم که با فریاد، از زن و بچه‌هایش کمک می‌خواست. می‌گفت: در دنیا این من بودم که با پول‌های حرام موهبات عیش و نوش شما را فراهم می‌کردم! ولی در این روز سخت که کم نمی‌کنید؟!

تنها این بار و آن زن بدزبان نبود که روزگار شوهرخویش را سیاه کرده بود. تعدادی از علمای دینی هم خودشان را گرفتار می‌دیدند.

در روز قیامت جزای سر می‌با ذره‌های عملکرد او سنجیده می‌شود. لحظاتی واقعاً احساس کردم که قیامت برپا شده را می‌بینم. از قرآن بیرون آمدم و آن را بوسیدم و هیچ‌گاه از قرآن جدا نشدم ...

ارسلان ربی عمارلویی

(الف - خورگام)